

امام خمینی و دو طیف از روحانیون متضاد

مقدمه

یکی از کلیدی‌ترین ابعاد اندیشه سیاسی امام خمینی، نگاه و قضاوت ایشان به روحانیت است که منشأ تحولات بسیاری در یکی دو قرن اخیر در ایران بوده‌اند. ایشان بر خلاف دو طیف از متعصبان که سازمان روحانیت و روحانیان را یا کاملاً مقدس می‌شمارند و یا به کلی رد می‌کنند، نظر یکسانی نسبت به همه روحانیون و حتی کلیت روحانیت نداشت و همواره تلاش می‌کرد خوبی

*نخستین طیف از روحانیت که مورد توجه حضرت امام بوده و اتفاقاً اکثریت جامعه روحانیت را در بر می‌گیرد، روحانیان مجاهد در عرصه‌های علمی و سیاسی و اجتماعی می‌باشد
--

و بدی روحانیت و خوبیان و بدان روحانیان را در مقایسه با هم ببیند و نسبت به هر طیف قضاوت نماید. یکی از مصادیق این نوع از نگاه امام خمینی به حوزه‌های علمیه و روحانیت، جداسازی جبهه علمای اندیشمند، مبارز و مردمی با گروه روحانیون عاقبت طلب و متحجر در عرصه‌های اجتماعی می‌باشد. امام خمینی در این نگرش، از یک سو به شدت از انزوای روحانیت پیشناز در مبارزه با استعمار و استبداد و مظلومیت و غربت آنان در دوره تثبیت ارزش‌ها و نظام جمهوری اسلامی در نگرانی به سر می‌برد و ازسوی دیگر امتداد خط متحجر و قشری‌گری در حوزه‌ها و روی کار آمدن روحانیون مقدس‌مآب و سطحی‌نگر و به دور از درد و رنج مبارزه را خطرناک می‌دانست و بیسم می‌داد که این قشر در مقاطع و مراحل جدید از تاریخ حوزه‌ها، چهره عوض کنند و درحالی که با حضور روحانیت در عرصه‌های سیاست مخالف بودند، از در موافقت در آیند، و در همان حال که تشکیل حکومت توسط روحانیت را بر نمی‌تابیدند، در مراکز حکومت و تشکیلات نظام اسلامی راه یابند و به مرور اسلام خشی و خلاصه در ذکر و عبادت را با خواب و اوهام و خرافه‌هایی به نام ارتباط با امام زمان و جلب رضایت از او و گرفتن دستور و فرمان از او به هم آمیزند و تحویل طلاب جوان و در پی آن جوانان مسلمان دهند و اساساً مسیر مجاهدت روحانیت را عوض کرده، تمام دستاوردهای گروه اول را به ثمن یخس به باد دهند. به نظر می‌رسد، اولین و مستحکم‌ترین گام در مسیر تبیین نگاه سیاسی و اجتماعی امام خمینی، توجه عمیق به همین جداسازی و شرح تمایز ژرف آن پیشوای الهی در این باره و تفکر در پیام‌های میدان‌دار شدن طیف سودجوی از روحانیت باشد. امری که جامعه امروز ما به شدت با آن درگیر است.

(الف) علمای مجاهد و مردمی

نخستین طیف از روحانیت که مورد توجه حضرت امام بوده و اکثریت جامعه روحانیت را در بر می‌گیرد، روحانیان مجاهد در عرصه‌های علمی و سیاسی و اجتماعی می‌باشد. ایشان از آغاز نهضت اسلامی تا واپسین روزهای حیات خود این طیف از روحانیت را می‌ستود و برای تک تک آنان ارزش قائل بود. از نظر امام این طیف در کنار محاسن بسیار، دارای سه ویژگی مهم و اثرگذار می‌باشند.

حوزه دوره سوم- ۵۰۲

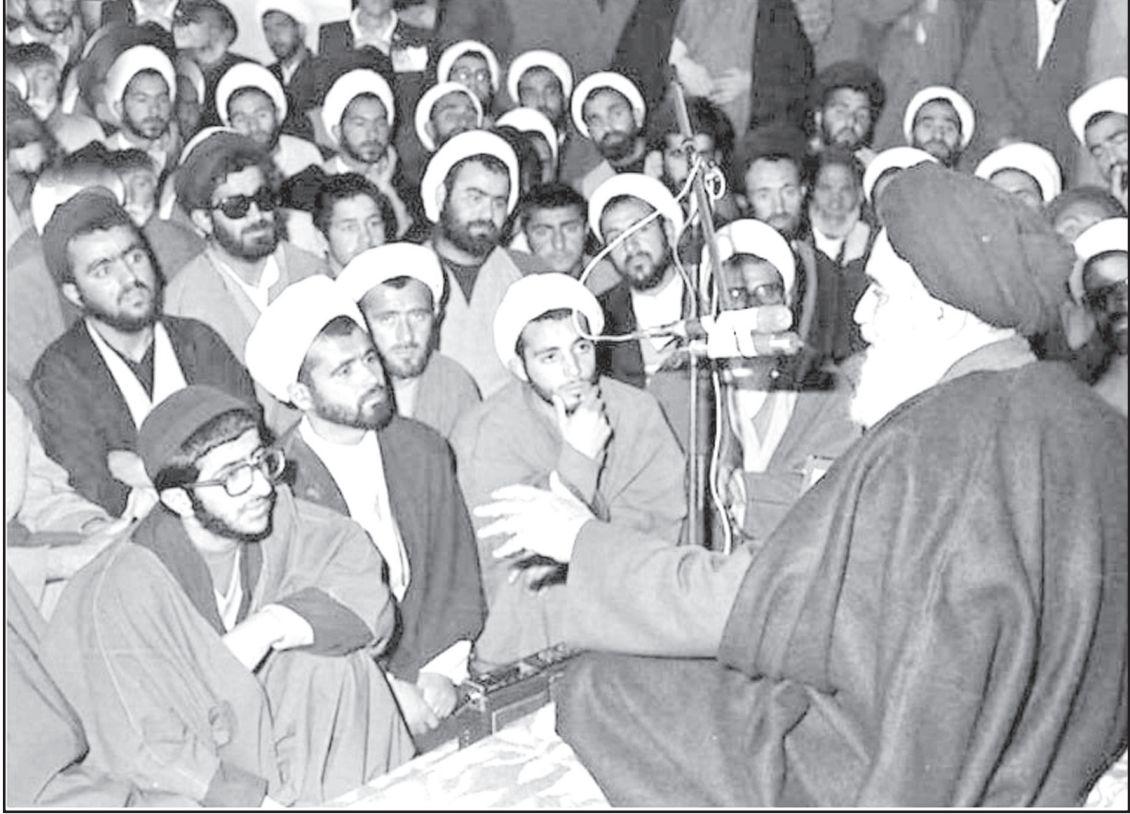
شده عقب‌نشینی نکرده و سکوت را جایز نشمرده است و با ارباب و تهدید از وظایف خود دست نکشیده و تسلیم جباران نشده است (صحیفه امام، ۱۵۸/۱). ایشان در ماه‌های پایانی عمر شریف خود نیز تصریح کردند: «روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسله‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بالای

*طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند
--

آنچه برای حضرت امام از درجه اهمیت زیادتری برخوردار بود، نه کارشکنی این طایفه در مبارزات قبل از پیروزی، بلکه امتداد تججر و رشد روحانیون مقدس نما و قشری‌گرا در حوزه‌های علمیه و تصاحب دستاوردهای روحانیان مبارز، پس از پیروزی بود. چرا که اگر این قشر از روحانیون سطحی‌نگر و دارای انجماد فکری و خشک مغزی در گوشه حوزه‌ها می‌خزیدند، خطری برای دین و جامعه و کشور نداشتند، لکن چه باید کرد که افکار بیمار انسان از حوزه‌ها به جامعه راه می‌یابد و گمراهی می‌آفریند و تباهی به وجود می‌آورد و همین جاست که بازیگران سیاسی و جناح‌ها و احزاب ماجراجو برای تحقق مطامع و منافع خود اینان را به دام می‌اندازند و به بهره‌برداری مکرر می‌رساند و نگرانی مهمتر آن که همین طایفه روزی صاحب مکتن و قدرت گردد. امام خمینی برای اینکه نگرانی خود را از تداوم تججر و آفات و آسیب‌های آن نشان دهد در پیام تاریخی‌اش به روحانیت، طلاب روحانیون جوان را با این تمایز و هشدارها مخاطب قرار می‌دهد: «طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست‌خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند» (همان، ۲۸۰/۲۱).

اکنون، این «راه» که در مقابل دیدگان عقل و جان قرار دارد و برای همه طلاب و علما و روحانیونی که فکری آزاد دارند و از قید و بندهای نفسانیت‌های فردی و گروهی رها شده‌اند و در دام مکر و فریب جناح‌های سیاسی گرفتار نشده‌اند و آزادانه انتخاب می‌کنند و آگاهانه در عرصه‌های حیات اجتماعی و سیاسی حضور می‌یابند، بهترین حجت است. در نقطه مقابل این راه روشن و پرفروغ، بیراهه‌های ظلمت‌زا و تاریک و سیاه قرار دارد که کسانی در آنها گام می‌نهند و حرکت می‌آغازند که به تجحجر و مقدس‌مآبی و تنگ نظری آلوده‌اند و تمام جهان بینی آنان را چشم سر و ظواهر امور و حس مقدس زودگذر قرار داده است. و راستی می‌دانستند و هیچ کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هر گز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است… اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این

اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) از حضرت‌امام المتقین علی(ع) تا آخرین منجی بشر می‌باشد و باید کسانی که نقش استمرار اهداف و آرمان‌های ائمه معصومین(ع) را به عهده دارند همانند آن مطهران علاوه بر جهاد فکری و علمی، دارای عالی‌ترین مراتب جهاد عملی باظلم و جور و قدرت‌های ستمگر در همه اعصار باشند، زیرا نمی‌شود حامل وحی الهی و سیره و روش رسول خدا و ائمه هدی(ع) بود و در عین حال به طور



مردم بوده‌اند» (همان، ۹۷/۲۱).

*امام خمینی: امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست

ناقص و یکسویه به گفتار و بیان برای هدایت و ارشاد مردم بسنده کرد و راه مبارزه با قدرت‌های جائر و حاکمان ظالم را طی نکرد، و طبیعی است که اینگونه عمل کردن، دون جایگاه و منزلت روحانیتی می‌باشد که باید همه وظایف و مسئولیت‌ها و تعهدها و تحرک‌ها را بردوش گیرد و چوبه‌های‌دار خویش را برای برپایی و بقای دین با خود حمل کند.

امام خمینی همچنین بارها با اشاره به نقش سوم روحانیت، یعنی مردمی بودن طیف عظیم از روحانیت در طول تاریخ، به حق معتقد بود: «روحانیت اسلام تا این لحظه از تاریخ حیات درخشان خود در خدمت اسلام و مسلمانها بوده و در راه دفاع از دین خدا و حقوق ملت‌ها مجاهده و مبارزه کرده است و در مواقع لزوم مردم را متوجه خطرهایی کرده که علیه اسلام و استقلال کشورهای اسلامی مطرح بوده است و در برابر فشارها، قلدریها و تهدیدهایی که از جانب ستمکاران و حاکمان جائر بر روحانیت وارد

تقدیر رئیس دانشگاه بزرگ الزیتونه تونس از اقدام آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی



اتریش آقای کریستوف گرابنراتر مبنی بر ابطال حکم دادگاه غیرعادلانه‌ای که حق پوشیدن حجاب را از زنان مسلمان دریغ کرده بود، تجلیل کرده و از ایشان به خاطر این عدالت‌ورزی و یاری حق تشکر کرده بودید، را دریافت کردم.

من نیز به نوبه خودم از توجه شما به این امر و نیز اهتمام جنابعالی نسبت به مسائل مسلمانان ساکن در کشورهای غربی سیاست‌گزارم و امید دارم خداوند کار و تلاش شما را در زمره کار و تلاش صالحان بپذیرد و به شما خیر و عاقبت عنایت فرموده و از سلامتی جسم و سرشاری ذهن و کمال حکمت برخوردار سازد؛ چرا که امت اسلامی در این اوضاع نابسامان و در میانه این امواج متلاطم، بیش از پیش به حکمت و بصیرت در مسیر رسیدن به خدای متعال و نیز وحدت کلمه و دوری از تفرقه و وانهادن اوهام و نیز صدق نیت و تلاش برای دستیابی به خیر و خوبی نیازمند است، چرا که آنچه یاد شد کالا و ذخیره ما و سودمند به حالمان در دنیا و و راه نجات ما در آخرت است.



واینه لیسه شیء اوجب لرحمةالله وعفوه، من ان یرانا، متصافین، متأخین، متراحمین، ولعلالله سبحانه وتعالی ینفع الامة بعلمائها، فلنترك اقلبنا، وانتسابنا،اِنَّ کان ذلک عاقفا فی جمع شملنا، و فی تکافنا ووحدتنا، ولیکن شعارنا الإسلام، ودستورنا القرآن، وأسوتنا نبینا صلی‌الله علیه وسلم، و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

دمتم فی حفظالله وعونه
مخاطبکم الساعی اِلی اِرضاء ربّه

هشام قریسه
جامعة الزیتونة بتونس

تر جمه نامه

بسم‌الله الرحمن الرحيم
شیخ بزرگوار آیت‌الله صافی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد!

پیام ارزشمند شما که در آن از اقدام رئیس دادگاه قانون اساسی

جمهوری اسلامی

امام خمینی:

انتخابات در انحصار هیچکس نیست

از اموری که لازم است امروز تذکر بدهم شاید بعد دیر بشود، قضیه انتخابات است. همان طوری که مکرر من عرض کرده‌ام و سایرین هم گفته‌اند، انتخابات در انحصار هیچ‌کس نیست، نه در انحصار روحانیان است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌هاست. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است. و انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است. از فراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دوش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند. انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این این‌طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلاً یک دوست ما مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟!

این یک توطئه‌ای است که می‌خواهند همان طوری که در صد‌ها سال توطئه‌شان این بود که باید روحانیون و مذهب از سیاست جدا باشد و استفاده‌های زیاد کردند و ما ضرر‌های زیاد از این بردیم، الان هم گرفتار ضرر‌های او هستیم. حالا دیدند آن شکست خورد، یک نقشه دیگر کشیدند، و آن این است که

انتخابات حق مجتهدین است، انتخابات یا دخالت در سیاست حق مجتهدین است. دانشگاه‌ها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق مابین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه‌ای است برای اینکه شما

*آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است

چون‌ها را مایوس کنند. ترفند جدید دشمن در جهت مایوس کردن ملت بیدار باشید! توجه کنید! اینها با توطئه‌هایشان می‌خواهند کار را انجام بدهند، نمی‌توانند یا دخالت نظامی کار بکنند، اینها می‌خواهند با شیطنتهایشان کار خودشان را انجام بدهند. آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی، در امور سیاسی در ایران یاضد نفر دخالت کنند، یاقیشان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند، و چند نفر پیروم ملا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران. برای اینکه، آن یک عده از علما را کنار می‌گذارند، منت‌ها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می‌شوند. این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد. یعنی نه اینکه این می‌خواهد مجتهد در داخل کند، این می‌خواهد مجتهد را با دست همین ملت از بین ببرد. باید دانشگاه‌ها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که افرادی در دانش‌گاه هستند که شیطنت دارند می‌کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند. انتخابات سرنوشت حتی شمایی که در آنجا هستیید را تعیین می‌کند.

یک امری که سرنوشت آحاد ملت در دست اوست، وظیفه آحاد ملت است که در آن دخالت کند، مربوط به یک قشری، دون قشری نیست، همه باید در این دخالت بکنند. و این شیطنتهایی که الان دارند می‌کنند، به طوری که من به گفته‌اند برای مایوس کردن بعضی از جوانهای ماست. این شیطنت را خنثی کنید و فعال وارد بشوید در انتخابات. می‌خواهید خودتان کسانانی را تعیین کنید و انتخاب بکنید،

می‌خواهید ببینید هر قشری که می‌پسندید حرف‌های آنها را و کاندیدای آنها را، شما هم با آنها باشید. در هر صورت ما باید از کید این‌ها خائین هیچ وقت غافل نشویم. اینها دائماً مشغول نقشه کشی هستند و دائماً مشغول توطئه هستند برای اینکه، آن سیلی‌ای که از اسلام خورده‌اند اینها، به این زودی جبران پذیر نیست. اینها می‌خواهند و می‌دانند که با زور نمی‌شود این کار را انجام داد. اگر هم یک وقتی می‌گویند که ما با زور و نظامی می‌کنیم، این بیخودی می‌گویند. خودشان هم می‌فهمند که بیخود می‌گویند.

آنها اگر بخواهند کاری بکنند همین از ناحیه خود مردم، از ناحیه دانشگاه، از ناحیه بازار، از ناحیه کارگرها، از ناحیه کارخانه‌ها، از این جاها می‌خواهند صدمه بزنند، و شما اگر بخواهید برای خدا باشد یا برای ملتتان باشد یا برای زندگی خودتان باشد، بخواهید که اسپر نباشید باید همه توجه کنید و گول این حرف‌ها را نخورید و در انتخابات به‌طور فعال همه دخالت بکنید.

صحیفه امام، ج ۱۸، صص ۳۶۷ تا ۳۶۹
۱۳۲۹ / ۱۲ / ۹

^[1] هاشم قریسه/دانشگاه الزیتونة تونس

^[2] هاشم قریسه/دانشگاه الزیتونة تونس